

تراژدی در آثار افلاطون

دکتر سعید شاپوری



۱۳۹۶

سرشناسه:	شاپوری، سعید، ۱۲۰۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	تراژدی در آثار افلاطون / تراژدی - شاپوری، سعید
مشخصات نشر:	تهران: افراز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۱۷۹ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۲۳۶-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	افلاطون، ۴۴۲۷ - ۳۴۴۷ ق.م. -- نقد و تفسیر
موضوع:	افلاطون، ۴۴۲۷ - ۳۴۴۷ ق.م. -- دیدگاه درباره تراژدی
موضوع:	افلاطون، ۴۴۲۷ - ۳۴۴۷ ق.م. -- دیدگاه درباره نمایشنامه نویسی
موضوع:	تراژدی
موضوع:	نمایشنامه نویسی
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴۳۹۵B ق.۲ش/
رده بندی دیویی:	۱۸۴
شماره کتابشناسی ملی:	۴۰۰۴۸۲۲



انتشارات افراز

دفتر مرکزی فروش: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۸۹۰۹۷

فروشگاه: خیابان دانشگاه، مجتمع تجاری دانشگاه، طبقه منفی یک، کتابفروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز | تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

نمایشی در آثار افلاطون

به سید شاپوری

نویس: چاپ: ۱۳۹۶/۱۱

طراحی جلد: یاسر محمدی | نلیه افراز

آرایش صفحات: مژدن جمعه راده / ۱۳۹۶/۱۱

چاپ و صحافی: سرو

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۳۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

مقدمه	۹
فصل اول: از تراژدی‌نویسی تا فلسفه اندیشی	۱۵
زندگی افلاطون	۱۷
آثار افلاطون	۲۶
شیوه نگارش افلاطون	۴۴
فصل دوم: تراژدی در آثار افلاطون	۷۱
تراژدی در رساله «کریستوس»	۷۵
تراژدی در رساله‌ی «ضیافت»	۷۶
تراژدی در رساله‌ی «فایدون»	۷۷
تراژدی در رساله‌ی «کراتیلوس»	۷۸
تراژدی در رساله‌ی «جمهوری»	۸۰
تراژدی در «کتاب اول» رساله‌ی «جمهوری»	۸۱
تراژدی در «کتاب دوم» رساله‌ی «جمهوری»	۸۱
تراژدی در «کتاب سوم» رساله‌ی «جمهوری»	۸۶
تراژدی در «کتاب چهارم» رساله‌ی «جمهوری»	۹۸
تراژدی در «کتاب پنجم» رساله‌ی «جمهوری»	۹۹
تراژدی در «کتاب ششم» رساله‌ی «جمهوری»	۱۰۰
تراژدی در «کتاب هفتم» رساله‌ی «جمهوری»	۱۰۱
تراژدی در «کتاب هشتم» رساله‌ی «جمهوری»	۱۰۳
تراژدی در «کتاب نهم» رساله‌ی «جمهوری»	۱۰۵

۱۰۷.....	تراژدی در «کتاب دهم» رساله‌ی «جمهوری»
۱۲۴.....	تراژدی در رساله‌ی «فایدروس»
۱۲۷.....	تراژدی در رساله‌ی «ثنای تتوس»
۱۲۸.....	تراژدی در رساله‌ی «سوفسطایی»
۱۳۰.....	تراژدی در رساله‌ی «فیلیس»
۱۳۲.....	تراژدی در رساله‌ی «تیمائوس»
۱۳۳.....	تراژدی «نامه‌های افلاطون»
۱۳۴.....	تراژدی در رساله‌ی «قوانین»
۱۴۹.....	تراژدی در رساله‌ی «منسوب به افلاطون»
۱۴۹.....	تراژدی در رساله‌ی «تیمیستوکلیس»
۱۵۰.....	تراژدی در رساله‌ی «منوب»
۱۵۱.....	تراژدی در رساله‌ی «آلکسیاس (دو)»
۱۵۱.....	تراژدی در رساله‌ی «شناکس»
۱۵۲.....	تراژدی در رساله‌ی «آکسیوخوس»
۱۵۲.....	تراژدی در «اشعار افلاطون»
۱۵۵.....	فصل سوم: فهم از تراژدی از منظر افلاطون
۱۵۷.....	فهم از تراژدی از منظر افلاطون
۱۶۷.....	نتیجه‌گیری
۱۷۵.....	منابع و مآخذ

مقدمه

موضوع تراژدی در یونان باستان، سرنوشت و سرشت انسان، و فرم نمایشی آن، محل بروز مواجهه‌ی انسان با عالم و سرنوشت خویش بوده است. این تراژدی‌ها، با جهان‌هایی که در آن‌ها تصادف و ضرورت، تأثیرات ویرانگری را در شکل دادن به زندگی آدمیان ایفا می‌کند، جنبه‌ای از جهان را به ما می‌نمایاند که در واقع جهان خود ماست. این نوع شعر، زندگی‌های را به ما نشان می‌دهد که در اثر عوامل متعددی دستخوش آسیب دیدگی و لطافات شایده می‌شوند. در چنین زمینه‌ای است که پرسش چگونه باید زیست، فوریت و پایداری دیدگی مناسب خود را کسب می‌کند، و تراژدی هنگامی که جهان را از این زاویه به ما می‌نمایاند، اصیل‌ترین نیروی محرک و چالش را برای فلسفه فراهم می‌آورد. (لوینسون، ۱۳۷۷: ۱۷۵)

یکی از قدیمی‌ترین و قابل استنادترین مطالبی که پیرامون به وجود آیین تراژدی در تاریخ هنر و فلسفه آمده، بدون تردید فن شعر (پوئیتیکس/Poetics) ارسطو است. طبق آن‌چه ارسطو گفته است، دگرگونی‌هایی که بر تراژدی روی داده و همچنین نام کسانی که تراژدی نوشته‌اند بر ما نامعلوم نیست، (ارسطو ۱۳۶۹،

۱۲۰) اما در ادامه‌ی رساله، اطلاع چندانی از این دگرگونی و تاریخ آن‌ها نمی‌دهد، و بیشترین تلاشش را در جهت جواب دادن به نظرات استادش درباره‌ی ماهیت تراژدی به کار برده است. بنابراین برخلاف آنچه معمول و متداول است، نخستین نظرات در باره‌ی تراژدی را ارسطو مطرح نکرده، بلکه استاد وی، افلاطون، نگاهی دقیق به این نوع از شعر داشته است.

دردوران فیلسوفان پیش ازسقراط وظیفه‌ی تربیت قوم، بی‌چون و چرا، بر عهده شاعران بود و قانون‌گذاران و مردان سیاسی در این زمینه با آنان همکاری می‌کردند. (پیر ۱۳۷۶، ۲۲۱: ۱) شعر همیشه زبان تربیت و فرهنگ یونان بوده، و ظهور فلسفه در لباس شعر نیز دلیل تسلط شعر بر ذهن و عقل و احساس مردم بود. با این‌که این زمینه، دغدغه‌ی اصلی افلاطون، این می‌شود که پاسخگوی تلقی سنتی یونانی از شاعران، مقام معلم، و فیلسوف به معنای «دوستدار حکمت» باشد. شعر مدعی سرپرست حکمت بود، افلاطون، شعر و به‌ویژه شعر تراژیک را رقیب فلسفه می‌دانست که ماهی هم برای فرد و هم حکومت ویران‌کننده بود؛ از این رو رد و طرد آن برایش ضروری می‌بود.

افلاطون در آثار خود، ضمن بررسی معنی شیوه‌های تربیتی شاعران و سوفسطائیان پیش از خود، بر آن است تا چرخش در جهت تربیت جامعه‌ی یونان باستان نسبت به شهر آرمانی‌اش ارائه بدهد. در این مسیر، او سبب‌های ناشی از تربیت مبتنی بر شعر را برشمرده، روشن می‌سازد که تنها با فلسفه، روش تربیتی درست و معقولی برای رسیدن به حقیقت است، اما مفاهیم حقیقت در نزد افلاطون با فهم اندیشمندان پیشاسقراطی از حقیقت نیز تفاوتی اساسی دارد.

در نظر متفکران و شاعران پیشاسقراطی، الهگان دانش و هنر (موزها / موساها) راهنمای اهل شعر و تفکر به حقیقت بودند، که منجر به انکشاف و کشف حجاب (Aletheia) می‌گردید؛ اما در نزد افلاطون، تفکر فلسفی مبتنی بر

دیالکتیک، مسیر حرکت به سوی حقیقت است. از این رو، موضوع تربیت در آثار افلاطون جایگاه رفیعی پیدا می‌کند، که سرآغاز آن را می‌توان در رودرویی او با تربیت پیشاسقراطی و به‌خصوص مقابله‌اش با شاعران به‌ویژه هومر و تراژدی‌نویسان دانست. نقد افلاطون به هومر، از این نظر اهمیت دارد که در یونان باستان، تربیت جامعه و جوانان بر عهده‌ی شاعران است، و تراژدی به عنوان تأثیرگذارترین نوع شعر، بیشتر از هر نوع شعر دیگر مورد حمله‌ی افلاطون قرار می‌گیرد. نقد و اعتراض افلاطون به شعر و تراژدی تقریباً در تمام آثارش دیده می‌شود؛ اما نظریات وی در مورد هنر، شعر و تراژدی به‌ویژه در مهمترین تأثیرگذارترین رساله‌ها، جمهوری، بیشتر، دقیق‌تر و شکل یافته‌تر از هر محاوره‌ی دیگرش بیان شده است.

انتخاب روش مناسب برای بحث یافتن به اندیشه‌ی افلاطون درباره‌ی شعر و تراژدی از آن رو سخت می‌شود که می‌توان گفت آرای وی، احتمالاً بیش از هر فیلسوف دیگری در تاریخ تمام ادوار هفده و ردیسی و پرسش قرار گرفته، اما آنچه در این مطالعات به وضوح دیده می‌شود، توجه نکردن به اندیشه‌های افلاطون درباره‌ی تراژدی است، که در مقایسه با مفاهیم فلسفی دیگر افلاطون، که در موردشان به حد کفایت کتاب و رساله و مقاله حرر دارد، درباره‌ی تراژدی از دیدگاه افلاطون (لااقل در زبان فارسی) تقریباً چیزی در دست نیست.

مدارس، کلاس‌های آزاد و حتی دانشکده‌های تئاتر، تقریباً هیچگاه به نظریات افلاطون درباره‌ی تراژدی نمی‌پردازند و تمامی آن‌ها معمولاً پیشینه‌ی تفکر پیرامون تئاتر و تراژدی را با بوطیقای ارسطو همزاد می‌دانند. لذا اهمیت این کتاب، بدون در نظر گرفتن نتایج احتمالی‌اش در همین است که توجه آن‌ها را به این مهم نیز جلب نماید.

شیوه‌ی کار این پژوهش، برای فهم نظریات افلاطون درباره‌ی تراژدی چنین

است که ابتدا به خود آثار افلاطون مراجعه، تمام محاورات براساس ترجمه‌ی مجموعه‌ی استفانوس^۱ (Henri Estienne Stephanus) که در دست است، قرائت و بررسی می‌شود. سپس نظرات و افکار اندیشمندانی که قابل استفاده بودند، انتخاب، پس از آن با نوشته‌های خود افلاطون تطبیق داده می‌شوند تا نتیجه‌ای درخور به دست آید.

در این کتاب تلاش شده به یکی از راهنمایی‌های افلاطون تا جای ممکن نیز عمل شود که: ... خود روش فلسفی تحقیق را که تقسیم درست موضوع بر حسب انواع است، محترم بشماریم و آن‌جا که لازم است سخن دراز گفته شود تا شنونده توانایی تشخیص و درک نکته‌ها را پیدا کند، باید سخن به تفصیل بگوییم و از درازی سخن نهرسیم، آن‌جا که با بیان کوتاه می‌توان به مقصود رسید سخن کوتاه بگوییم. (مرد سیاسی، ۸۶)

فصل نخست کتاب، با عنوان «تراژدی‌نویسی تا فلسفه اندیشی»، به سه بخش تقسیم گردیده است. بخش اول به زندگی افلاطون براساس مدارک و مستندات پرداخته و با توجه به موضوع علمی سعی گردیده تا ارتباط زندگی وی با شعر و تراژدی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در بخش دوم نیز که به آثار افلاطون می‌پردازد، همین شیوه مدنظر بوده، علاوه بر تقسیم بندی مای معمول آثار افلاطون، به تأثیر احتمالی تراژدی در تقسیم بندی آثار و محاورات افلاطون نیز توجه شده است. در بخش سوم تلاش گردیده، شیوه‌ی نگاه دو بخش پیشین در این‌جا نیز دنبال گردد، لذا بر تأثیر رویدادهای زندگی افلاطون بر شیوه نگارش آثارش توجه بیشتری شده است، که چگونه افلاطون به عنوان یک جوان اشراف‌زاده‌ی آتنی، از یک دوستدار تراژدی و حتی تراژدی‌نویس نوپا، به فیلسوفی بدل می‌شود

۱ استفانوس، (۱۵۹۸-۱۵۳۱ میلادی) محقق فرانسوی که بسیاری از کتابهای قدیم یونانی را به چاپ رساند.

که یکی از دغدغه‌هایش مقابله با شعر و تراژدی است؛ اما با این همه، محاوراتش به یکی از زیباترین و شاعرانه‌ترین آثار فلسفی جهان تبدیل شده که حتی به لحاظ فرم نگارش نیز از تراژدی تأثیر گرفته است.

در فصل دوم که «تراژدی در آثار افلاطون» نام گرفته، بیشترین توجه بر جمع آوری مطالبی است که افلاطون در تمام آثارش درباره‌ی تراژدی و نوشته و در دست است. این فصل به جای کلی گویی، به جزئیات توجه، و سعی گردیده، اگر وی در جایی از آثارش به تراژدی پرداخته، مطالب نزدیک به این موضوع در سایر نوشته‌های افلاطون نیز جستجو، با هم تطبیق داده شوند.

در این فصل به ۱۰ رسالات اصلی و مطمئن افلاطون که متعلق به خود اوست، به آثار مشهور، نامه‌ها، حتی اشعار وی توجه شده، مطالب آن‌ها در مورد تراژدی استخراج گردید اند. هرچند، دلیل غیرقابل استناد بودن آثار منحول تنها به آن‌ها اشاره شده و اشعارش نیز به همین لریق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تا تصویری کلی و فراگیر در مورد افلاطون و تراژدی به دست آمده باشد. فصل سوم، با عنوان «فهم از تراژدی در آثار افلاطون» حاصل نظرات وی در مورد شعر و به طور اخص شعر تراژیک است که چون طلب با مفهوم حقیقت پیوند خورده، در حد مجال بحث به حقیقت نیز اشارت شده است.

«نتیجه‌گیری» به آنچه در مورد آراء افلاطون درباره‌ی تراژدی آورده شده، اشاراتی کرده، درباره‌ی وظیفه‌ی اصلی شعر و شعر تراژیک از دید افلاطون، را که همانا ابزاری برای تربیت است، توضیح مختصری می‌دهد.

در خاتمه‌ی مقدمه، باید از شادروان محمد حسن لطفی یاد آورد، که با ترجمه‌ی «مجموعه آثار افلاطون» خدمتی شایان به فرهنگ فلسفی زبان فارسی نموده است. به جز این ترجمه هر جا که در این پژوهش نیاز به مطالب مهم، اساسی، و قابل اعتنا در مورد افلاطون، تفکر و فرهنگ یونانیان دیده شد، حاصل

جستجوها به ترجمه‌های ایشان ختم می‌گردید. کتاب سه جلدی «ورنر یگر»، با عنوان «پایدیا» و کتاب سه جلدی «تئودور گمپرتس» با عنوان «متفکران یونانی»، از ترجمه‌های ارزشمند این مترجم فقید بود، که در کنار بعضی از ترجمه‌ها و نوشته‌های دیگر ایشان از منابع اصلی پژوهش بود که مورد استفاده قرار گرفته است.

شماره‌هایی که بعد از نقل قولی در کنار اسم محاورات افلاطون ذکر شده است، شماره صفحه‌های مجموعه‌ی آثار افلاطون است، که در قرن شانزدهم، در ریس انتشار یافته، که به مجموعه‌ی «استفانوس» معروف است. این شماره‌ها معمولاً بیشتر آثار افلاطون آورده می‌شود و کسانی که در نوشته‌های خود به جمله یا مطلبی از ایشان استناد می‌کنند، پس از ذکر جمله، یا مطلب مورد نظر، شماره صفحه‌ی مجموعه‌ی استفانوس را نیز که آن جمله یا مطلب در آن قرار دارد، می‌آورد تا مراجعه به نسخه‌های افلاطون در هر زبانی راحت شود.

در این جا هم، چون اساس پژوهش بر ترجمه‌ی مرحوم «محمد حسن لطفی» قرار گرفته که همین شماره‌ها را در اختیار دارد، لذا مطابق معمول هر زبان دیگر، تنها به ذکر شماره صفحه‌های مجموعه‌ی استفانوس قناعت شده، شماره صفحه‌های ترجمه‌ی فارسی ذکر نشده است.